

بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی

razkowsar@yahoo.com

کلیه علیرضا رازقی / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز

پروانه ولوی / استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه علوم تربیتی

سیدمنصور مرعشی / دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه علوم تربیتی

مسعود صفایی مقدم / استاد دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه علوم تربیتی

دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۳۰

چکیده

بحث و بررسی درباره اهداف تربیت از رسالت‌های اصلی فلسفه تعلیم و تربیت است. با توجه به همزادی قدیمی «تربیت» و «دیانت» و همچنین اهمیت و نقش دین در زندگی انسان، دین و آموزه‌های دینی به‌عنوان یکی از منابع اصلی استخراج اهداف تربیت در جوامع مذهبی محسوب می‌شود. بنابراین، ضروری است تا در جوامع مذهبی، اهداف تربیتی از منظر مبانی دینی نیز بحث و بررسی شود. پژوهش حاضر درصدد است تا نوع‌دوستی را به‌عنوان یک هدف در تربیت اسلامی به شیوه تحلیلی - استنتاجی بررسی کند. بدین منظور، ضمن تبیین مفهوم «نوع‌دوستی» و همچنین تبیین رابطه نوع‌دوستی با تعلیم و تربیت، معنویت و دین‌داری، مشخص می‌گردد که نوع‌دوستی در اسلام بر کدام پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی مبتنی است. از این‌رو، مبانی مذکور با مراجعه به شماری از آیات قرآن، سنت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ (در قالب احادیث و روایات آنان) و همچنین آراء برخی اندیشمندان اسلامی تجزیه و تحلیل شد و در نهایت، نشان داده شد که این مبانی از نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف در تربیت اسلامی حمایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نوع‌دوستی، محبت‌ورزی، هدف تربیتی، تربیت اسلامی.

مقدمه

اسلام در تبیین روابط اجتماعی میان انسان‌ها، پیروان خود را به برقراری صلح و آرامش دعوت کرده، به آنان هشدار می‌دهد که مبدا با پی‌روی از شیطان، این صلح و آشتی را بر هم زنند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح و آشتی درآیید و از گام‌های شیطان پی‌روی نکنید که او دشمن آشکار شماست» (بقره: ۲۰۸). بنابراین، اسلام، سنگ‌بنای زندگی اجتماعی را بر صلح‌گرایی قرار داده و عموم مسلمانان را - حتی در برخورد با دشمنان - به عدالت و پرهیز از تعدی فرا خوانده است: «... مبدا دشمنی با قومی و ادارتان کند که به عدالت رفتار نکنید» (مائده: ۸).

اما از منظر اسلام، دایره مطلوب و متعالی روابط انسانی فراتر از صلح‌گرایی و عدالت‌پیشگی ترسیم شده است؛ زیرا قرآن کریم کسانی را در ردیف ابرار (نیکوکاران) قرار می‌دهد که به موازات انجام اعمال عبادی و فردی خود، به وظایف اجتماعی، احسان و یاری رساندن به دیگران نیز اهتمام می‌ورزند: «نیکی آن نیست که روی خود را به جانب مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خداوند و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با آنکه دوستش دارد، به خویشاوندان، یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و دربند ماندگان ببخشد و نماز بگذارد و زکات بدهد...» (بقره: ۱۷۷). در واقع، از دیدگاه اسلام، می‌توان صلح‌گرایی و عدالت‌ورزی را از سطوح حداقلی روابط انسانی سالم دانست، در حالی که سطح عالی روابط، در قالب محبت‌ورزی به هموعان و احسان و نیکوکاری در ابعاد و اشکال گوناگون، همچون انفاق، اطعام، ایثار، عفو و بخشش تعریف می‌شود (همتی، ۱۳۸۹). مقوله نوع‌دوستی همواره به‌عنوان یک موضوع بحث‌برانگیز در میان فلاسفه و اندیشمندان علوم گوناگون مطرح بوده است. با توجه به لزوم تبیین دقیق اهداف تربیت از منظر دین، شایسته است تا نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی با توجه به مبانی دین مبین اسلام نیز بررسی گردد و به این سؤالات اساسی پاسخ داده شود که اولاً، آیا می‌توان نوع‌دوستی را به‌عنوان یک هدف در تعلیم و تربیت اسلامی پذیرفت؟ ثانیاً، نوع‌دوستی در اسلام بر کدام پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی استوار است؟ این مطالعه به بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، که درصدد بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع دوستی به عنوان یک هدف تربیتی است، مطالعه‌ای کیفی محسوب گردیده و رویکرد استفاده شده در آن رویکرد «تحلیلی - استنتاجی» است. در پژوهش‌های فلسفی - تربیتی، بر اساس تحلیل، می‌توان توصیف و تحلیل دقیقی از ویژگی‌های مفاهیم مطرح در تعلیم و تربیت فراهم آورد که این امر می‌تواند به روشن‌بینی در تفکر منجر شود و بر اساس استنتاج، می‌توان ارتباط فلسفه با تعلیم و تربیت را مشخص نمود (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز محقق بر آن است تا ضمن تبیین مفهوم «نوع دوستی» و ارتباط آن با تعلیم و تربیت، با استفاده از تحلیل، نقد و ترکیب، نوع دوستی را به عنوان هدفی تربیتی در تربیت اسلامی تبیین و توجیه نماید، بدین صورت که با استخراج و بررسی مبانی اسلامی نوع دوستی و کشف پیش فرض‌های پنهان هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی مفهوم «نوع دوستی» در اسلام، محقق می‌کوشد تا استدلال‌ات و توجیهاتی در دفاع از این مسئله ارائه دهد که چرا نوع دوستی می‌تواند به عنوان هدفی تربیتی در تربیت اسلامی مطرح شود؟

مفهوم «نوع دوستی»

به باور هاکنبری و هاکنبری (۲۰۰۷)، «نوع دوستی» به معنای یاری و کمک کردن به افراد دیگر، بدون داشتن انتظار منفعت یا پاداش شخصی است. در واقع، رفتار نوع دوستانه رفتاری است که - بدون در نظر گرفتن پاداش‌های مادی و اجتماعی - مقصود از انجام آن، منفعت و یاری رساندن به دیگران است (استاب، ۱۹۷۴). به عقیده آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷)، که برای نخستین بار، معنای «نوع دوستی» را با این عنوان خاص به کار برد، در انسان دو انگیزه وجود دارد که یکی از آنها ناظر به خود و در پی منافع خود است و «خودگرایی» نام دارد، و دیگری ناظر به دیگران و در جهت منافع دیگران است که «نوع دوستی» است. کنت بر نوع دوستی به عنوان پایه و اساس زندگی اجتماعی تأکید می‌کند (اسکات و سگلو، ۲۰۰۷) و آن را مشتمل بر عواطف معقولی می‌داند که انگیزه منفعت‌رسانی به دیگران دارد و دارای پیامدهای اخلاقی است (کین، ۲۰۱۲).

رابطه نوع دوستی با معنویت و دین‌داری

صفای مقدم (۱۳۹۰) غم‌خواری و نگرانی برای دیگران و محبت هم‌نوعان در دل داشتن را انگیزه کارهای معنوی معرفی می‌کند و معتقد است: «نوع دوستی» یکی از ویژگی‌های اساسی و ذاتی

معنویت و واجد صفات تعالی، ارتباط، کلیت و مهربانی است. بنابراین، انتظار می‌رود که مقوله نوع دوستی مقوله‌ای فرامادی باشد و انسان‌های نوع دوست به انگیزه‌های معنوی، پای‌بندی بیشتری داشته باشند. در واقع، می‌توان رفتارهای نوع دوستانه را نمودی از باورهای درونی و عمیق افراد تلقی کرد. به باور دورکهایم (۱۳۶۰) نیز هر یک از جنبه‌های در هم تنیده اخلاقی، از جمله نوع دوستی، به روشن‌ترین وجه در دین، آشکار است. به اعتقاد وی، فهم ریشه‌ها یا عملکرد اخلاقی بدون آنکه به دین ربط داده شوند، غیرممکن است. اینولف و همکاران نیز معتقدند که دین‌داری و احساس رستگاری تأثیر معناداری بر نوع دوستی دارد (شعبانی، ۱۳۹۳، به نقل از اینولف، ۲۰۰۶). بردستانی (۱۳۸۳)، که تأثیر باورهای مذهبی بر رفتار نوع دوستانه را بررسی کرده نیز بر آن است که باورهای مذهبی به‌طور مثبت، پیش‌بینی‌کننده رفتار نوع دوستانه است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، رابطه میان دین‌داری و معنویت با نوع دوستی، رابطه‌ای تنگاتنگ است. به همین سبب، همه ادیان بزرگ الهی بر نوع دوستی، احسان و محبت افراد به یکدیگر تأکید فراوان دارند، به‌گونه‌ای که حتی ریاضت کشیدن در تمام ادیان ابراهیمی، به‌ویژه اسلام، به معنای ریاضتی است که مؤمنان در دادن نان به دیگران می‌کشند و گرسنگی که به خاطر نان دیگران تحمل می‌کنند (شریعتی، ۱۳۵۶). از همین روست که پیامبر گرامی ﷺ نیز خدمت به بندگان خدا را در کنار ایمان به خداوند، معیار و ملاک ارزشمندی انسان می‌داند و می‌فرماید: «ایمان به خدا و نفع‌رسانی به بندگان او، دو خصلت نیک است که برتر از آن چیزی نیست» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۷۴، ص ۱۳۷). در حقیقت، «ایمان الهی» و «نوع دوستی» به منزله دو بال هستند که انسان را به اوج کمال می‌رسانند.

نوع دوستی و تعلیم و تربیت

نوع دوست بودن آن‌قدر در ارتقای شخصیت افراد مؤثر است که همه نهادهایی که داعیه بهتر ساختن آدمیان را داشته‌اند از جمله نهاد تعلیم و تربیت به این امر توجه نشان داده و انسان‌ها را به یاری، خیرخواهی و مهرورزی به یکدیگر فرا خوانده‌اند. «تربیت» یک دل‌مشغولی اساسی به ارتقای شخصیت افراد است و در واقع، نهادی که به صورت ویژه موظف است تا با ایجاد زمینه و بستر لازم، زمینه بروز و بسط نوع دوستی را فراهم کند، همانا نهاد «تعلیم و تربیت» است. از این‌رو، به اعتقاد شریعتمداری (۱۳۹۱)، یکی از وظایف اصلی مرتبط با تربیت افراد، وظیفه «وحدت‌بخشی» است و کمک به افراد در

رشد تمایلات نوع‌دوستانه و همکاری با دیگران از مهم‌ترین تکالیف نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌گردد. بنابراین، می‌توان «نوع‌دوستی» را از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد تربیت یافته برشمرد.

نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی

هدف تربیتی نقطه مطلوب و مورد نیازی است که اشتیاق و نیاز دست‌یابی به آن دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را وا می‌دارد تا بهترین راه وصول به آن را برگزینند و ابزارها و روش‌های مناسب برای تحقق آن را معرفی کنند (ر.ک: امین‌زاده، ۱۳۷۶). در کار تعلیم و تربیت، اهداف به صورت عبارات کلی هستند که نتایج مطلوب را توصیف می‌کنند. خودِ هدف، چیزی نیست که در کلاس آموزش داده شود، بلکه چارچوبی است که درون آن محتوا، مهارت‌ها، فرایندها و نگرش‌ها برای تدریس مشخص می‌شوند. اهداف الهام‌بخش اعمال آموزشی هستند (ر.ک: نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲).

در شرایط دهشتناک جهان امروز، در عرصه ملی و بین‌المللی، شاهد بی‌تفاوتی افراد نسبت به درد و رنج یکدیگر، گسترش تنفر و خودخواهی، بروز خشونت‌های شدید، جدایی دانش از حوزه اخلاق و تلاش در جهت تأمین منافع شخصی و گروهی بدون در نظر گرفتن دیگران هستیم که همگی می‌تواند به نوعی حاصل تبعات ناشی از بی‌توجهی به مقوله نوع‌دوستی باشد. اگر بپذیریم که تعلیم و تربیت دغدغه پرورش شخصیت افراد و همچنین داعیه بهتر ساختن آدمیان و زندگی آنان را دارد، بنابراین، پرورش افراد نوع‌دوست را باید از اهم وظایف نظام تربیتی هر جامعه‌ای بدانیم که در آن صورت، نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف در تعلیم و تربیت مطرح خواهد شد. در این مقاله، ضمن تبیین مفهوم «نوع‌دوستی»، مبانی اسلامی نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی بررسی می‌گردد.

گزینش نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی در اسلام

گزینش اهداف تربیتی یکی از وظایف اصلی فیلسوفان تعلیم و تربیت است. گزینش این اهداف موجب ارتباط تعلیم و تربیت با فلسفه می‌گردد؛ زیرا بحث درباره اهداف و مبانی آن ماهیتی فلسفی دارد و غالباً فلاسفه و صاحب‌نظرانی که دارای دیدگاه فلسفی بوده‌اند، از آن بحث کرده‌اند. در جوامع غیردینی (سکولار)، مبانی فلسفی و علمی در گزینش اهداف تربیتی مد نظر قرار می‌گیرد. اما در جوامع مذهبی - مانند کشور اسلامی ما - علاوه بر مبانی فلسفی و علمی، مبانی دینی نیز از مهم‌ترین منابع استخراج و گزینش اهداف تربیتی به‌شمار می‌رود. یک مسلمان، معتقد است که پای‌بندی به اصول اسلام و عمل به دستورها و رهنمودهای الهی سعادت دنیا و آخرت او را تأمین خواهد کرد. از این‌رو،

بدیهی است که در انتخاب اهداف تربیتی نیز دست نیاز به سوی منبع فیض الهی (قرآن) دراز کند و وسیله نجات و فلاح خود را در عمل به رهنمودهای پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ بداند. البته لازم به ذکر است که اسلام یک مکتب فلسفی نیست، اما مبانی برگرفته از قرآن، سیره و روایات پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ سرشار از نکات و اندیشه‌های فلسفی و تربیتی است که می‌توان اصول و اهداف ارزنده و برجسته تربیتی از آنها استخراج کرد.

هدف‌های تربیت در اسلام را می‌توان به دو دسته «اهداف غایی» و «اهداف واسطی» تقسیم‌بندی نمود. «اهداف غایی» اهدافی هستند که در طول و بالای اهداف دیگر قرار می‌گیرند، و «اهداف واسطی» اهدافی هستند که در عرض یکدیگر واقع شده، ناظر به شئون گوناگون انسان- مثلاً، شأن اجتماعی او- هستند (ر.ک: باقری، ۱۳۸۳). در واقع، اهداف واسطه‌ای مقدمه و پیش‌نیاز وصول به اهداف غایی هستند. باقری (۱۳۸۳) هدف غایی خلقت انسان و همچنین هدف غایی تربیت اسلامی را «عبودیت» در برابر خداوند می‌داند.

برخی نیز «قرب الی الله» را هدف نهایی تربیت اسلامی معرفی کرده‌اند. در همین زمینه، صفایی مقدم (۱۳۸۸) معتقد است که «قرب الی الله» به‌عنوان هدف نهایی تربیت اسلامی، دربرگیرنده دیگر اهداف و اعمال تربیتی نیز خواهد بود؛ زیرا بدون قصد قربت، هیچ عملی پذیرفته نیست و حتی اعمال عبادی نیز اگر بدون قصد قربت انجام گیرد، اساساً عبادت تلقی نخواهند شد. به نظر می‌رسد تعیین «قرب الی الله» به‌عنوان هدف نهایی تربیت با «ماهیت فرایندی» تربیت تناسب بیشتری دارد و بدان معناست که در جریان تربیت، هیچ نقطه‌ای به‌عنوان نقطه پایان حرکت انسان قابل تصور نیست، بلکه تربیت جریانی مستمر، پویا، فعال و همیشگی است. بر این اساس، «تربیت» به معنای حرکت به سوی قرب الهی، هیچ‌گاه تعطیل نخواهد شد (همان).

روشن است که منظور از «قرب»، تخلق به اخلاق الهی، خداگونه زیستن و متجلی ساختن اسما و صفات الهی در خویش است. محبت‌ورزی و رحمت خداوند نسبت به جمیع موجودات، نخستین صفتی است که پروردگار عالم، با بیان «بسم الله الرحمن الرحیم» در سرآغاز همه سوره‌های قرآن، بجز سوره توبه، خود را بدان متصف ساخته و بدین وسیله، دوستی و محبت خود را به مخلوقات و بندگان ابراز کرده است. علاوه بر این، مهر و محبت‌ورزی به انسان‌ها از چنان جایگاهی در اسلام برخوردار است که گاه با کل دیانت و دین‌داری همسنگ دانسته می‌شود؛ چنان‌که امام محمدباقر ﷺ می‌فرماید: «الدین هو الحب والحب هو الدین»؛ دین همان محبت است، و محبت همان دین است (مجلسی،

۱۳۷۶، ص ۲۳۸). اسلام آن‌گونه محبت و نوع‌دوستی را معادل کل دین‌داری می‌داند که به تقرب الهی و تعالی انسان بینجامد. بر این اساس، نوع‌دوستی در اسلام، رنگ خدایی به خود می‌گیرد و با نیت «قرب الهی» صورت می‌پذیرد.

با توجه به مطالب گفته شده و با عنایت به اینکه مفاهیم نزدیک و مرتبط با نوع‌دوستی همچون «همزیستی مسالمت‌آمیز» و «برقراری صلح، آرامش و وحدت در جامعه»، می‌توانند زمینه و بستر لازم را برای سیر الی الله فراهم کنند (هاشمی، ۱۳۸۸)، انتظار می‌رود که «نوع‌دوستی» نیز بتواند به‌عنوان یک هدف واسطه‌ای در تربیت اسلامی و در مسیر «قرب الی الله» مطرح گردد. در ادامه، با توجه به هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلام، جایگاه نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی بررسی می‌گردد.

الف. از منظر هستی‌شناسی اسلام

از منظر عرفان اسلامی، عشق و محبت سرمنشأ تجلی هستی محسوب می‌شود. در همین زمینه، ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸ق) معتقد است که هستی حاصل لطف و محبت خداوند است و این لطف و محبت در تمام هستی جاری و ساری است. ابن عربی فرجام هستی را نیز همچون آغاز آن، رحمت و محبت می‌داند (ر.ک: ابوزید، ۱۳۸۷). از همین رو، در نگرش اسلامی، اعتقاد بر آن است که جهان هستی بر اساس رحمت و محبت سامان یافته است: «... و رحمت من همه موجودات را فراگرفته است» (اعراف: ۱۵۶). جهان‌آفرین جهان را با عشق آفریده است و به مخلوقات خود عشق می‌ورزد. آفریدگان نیز به آفریننده عشق دارند و هستی‌شان قائم به عشق است. عارفان بر این قول اتفاق نظر دارند که ذات خداوند عشق است و همین عشق الهی است که چون نشانی از بی‌نشان، در سراسر هستی سرریان دارد و عاشقان را به کمال و تعالی می‌رساند (ر.ک: فقیه، ۱۳۷۶).

می‌شایند در علو همچون نهال

ذره ذره عاشقان آن کمال

(مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۸۵۸)

در ادامه، برخی از اصول حاکم بر هستی‌شناسی اسلامی را که از «نوع‌دوستی» به‌عنوان یک هدف تربیتی حمایت می‌کنند، ذکر می‌کنیم:

۱. **توحید:** «توحید» به‌عنوان یکی از اصول اساسی دین اسلام، نقش ویژه‌ای در نوع‌نگرش انسان به هستی ایفا می‌کند. اعتقاد به وحدانیت خداوند مستلزم آن است که مؤمنان بدین امر واقف گردند

که حقیقت، واحد بوده و اصل وحدت بر تمام هستی، حاکم است. همه انسان‌ها نیز بندگان خداوند یکتا و تجلی همان حقیقت واحد هستند. از این رو، پیروان مکتب توحید، خود را ملزم به ایجاد وحدت شخصیت و همچنین وحدت در جامعه بشری می‌بینند که بر اساس آن، هر فرد رشد یافته بر مبنای عاطفه مشترک با سایر انبای بشر، جهان را مظهري از یک کل می‌داند تا ملغمه‌ای از اجزای منفرد. جهانی که «کلیت» ویژگی برجسته آن باشد به ویژگی جامعه توحیدی نزدیک‌تر است، یا حداقل ظرفیت آن را دارد که به تحقق چنین آرمانی کمک کند؛ زیرا آدمیان صرف‌نظر از تفاوت‌هایشان، عیال خداوند محسوب می‌شوند (صفایی مقدم، ۱۳۹۰). علاوه بر این، حاکمیت اصل وحدت و یکپارچگی بر هستی، ناظر به هماهنگی و عدم تعارض میان نوع دوستی و محبت به خود است؛ زیرا نوع دوستی و خدمت به دیگران به معنای انکار خود نیست، بلکه شق دیگر خود در درون یک بافت وسیع‌تر است (میلر، ۲۰۰۰) و در حقیقت، بیانگر وجود یک من توسعه یافته است. بر این اساس، هر یک از اعضای جامعه توحیدی، علاوه بر مسئولیت شخصی خود، نسبت به سایر اعضا و حتی در قبال کل هم‌نوعان، احساس مسئولیت کرده، منافع و سرنوشت خود را جدا از منافع و سرنوشت دیگران نمی‌بیند و در نتیجه، خود را ملزم می‌داند که در جهت بهبود زندگی بشر و خدمت و یاری رساندن به هم‌نوعان کوشا باشد. استاد مطهری نیز پایه و اساس نوع دوستی و انسانیت را در اسلام، اصل «توحید» معرفی می‌کند و معتقد است:

انسانیت اگر بنا بشود روی اصل پایداری بنا شود، باید روی اصل توحید ساخته گردد. ما یک سلسله امور را به عنوان حقوق انسانی یا شئون انسانی نام می‌بریم؛ می‌گوییم انسانیت حکم می‌کند که رحم و مروت داشته باشیم، نیکوکار باشیم، از صلح و آرامش حمایت کنیم، به هم‌نوعان خود آزار نرسانیم، بلکه در راه خدمت به نوع فداکاری کنیم، عقیف و باتقوا باشیم و به حقوق دیگران تجاوز نکنیم. همه اینها درست است و واقعاً هم باید چنین باشد. اما اگر از ما پرسند که منطق این دستورها و فلسفه‌ای که ما را قانع کند که منافع شخصی خود را فدای این امور کنیم و متحمل محرومیت بشویم چیست، آیا می‌توانیم با چشم‌پوشی از مسئله خدانشناسی جوابی بدهیم؟ (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۶۸).

بدین روی، یکی از آثار و نتایج اعتقاد به توحید و وحدانیت خداوند آن است که انسان‌های یکتاپرست از یک سو، به خاطر تسلیم بودن در برابر اوامر الهی، اعمال خود را بر پایه خواهش‌های نفسانی و خودخواهانه قرار نمی‌دهند، و از سوی دیگر، چون همه انسان‌ها را بندگان و دست‌پرورده یک خدا می‌دانند، نه تنها می‌کوشند تا از خودپرستی، که بی‌شک ضد خداپرستی است، احتراز جویند، بلکه به دنبال آن هستند تا با خدمت به بندگان خدا و پرهیز از تفرقه و تشتت، که از خودپرستی و

خودخواهی ناشی می‌شود، وحدت و همبستگی خود را با سایر بندگان باری تعالی، حفظ و تقویت کنند (ر.ک: حسینی بهشتی و همکاران، ۱۳۹۰).

علاوه بر این، از آنجاکه بر اساس اصل «توحید»، پروردگار یکتا قدرت مطلق و مالک مطلق محسوب می‌شود، انسان موحد نیز خداوند را صاحب حقیقی تمام توانایی‌ها، اموال و ثروت‌هایی می‌داند که در اختیار دارد و می‌کوشد تا سایر بندگان خدا را نیز از این مواهب و الطاف الهی بهره‌مند سازد. این در حالی است که در یک جامعه غیر توحیدی و غیر الهی، که افراد کسب توانایی‌ها و اموال را صرفاً نتیجه تلاش شخصی خویش و حاصل رقابت و رویارویی با دیگر افراد جامعه می‌دانند، لزومی برای پاسخ‌گویی به نیازهای دیگران و یاری رساندن به آنان احساس نمی‌کنند، که این امر می‌تواند به تفاخر، خودخواهی، خود برترینی، سودجویی شخصی و تفرقه در جامعه دامن زند.

بنابراین، می‌توان گفت: تفکر توحیدمحور در اسلام، دارای این ظرفیت است که در میان انسان‌ها، وحدت، صلح، همبستگی و نوع‌دوستی ایجاد کند، در حالی که اعتقادات یک جامعه غیر توحیدی آن جامعه را به تشنت، تباهی و فساد می‌کشاند (با توجه به آیه ۲۲ سوره انبیاء: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا). از این رو، با تحقق نوع‌دوستی در جامعه، بستری مناسب فراهم می‌شود که در آن، همگان امکان می‌یابند تا در سایه توحید و تعالیم وحدت‌بخش الهی و به دور از تفرقه، تشنت و تباهی، در جهت هدف غایی از خلقت خویش، که تقرب به ذات احدیت است، گام بردارند.

۲. هدفمندی خلقت جهان: برخلاف مکاتب مادی‌گرا، که وجود عالم و آدم را پوچ و بی‌هدف می‌دانند، مکتب اسلام خداوند حکیم را آفریننده بحق هستی می‌داند (انعام: ۷۳؛ نحل: ۳؛ روم: ۸؛ آل عمران: ۱۹۱). از سوی دیگر نیز آفرینش نظام‌دار و هماهنگ، اجزای طبیعت را در خدمت به انسان و عاملی برای اندیشیدن و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی معرفی می‌کند (جاثیه: ۱۳؛ بقره: ۲۹؛ نحل: ۱۲). سعدی، شاعر بلندآوازه ایران، این معنا را چنین بیان می‌کند:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

(گلستان سعدی)

در تربیت اسلامی، اهداف واسطه‌ای فراهم‌کننده بستر و زمینه برای نیل به اهداف غایی هستند. از این رو، توجه به نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف واسطه‌ای حایز اهمیت است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، خداوند مجموعه نظام هستی را، که از وحدت، هماهنگی و به هم پیوستن اجزا و عناصر گوناگون آفریده، به صورت غایتمند و در جهت تعالی انسان سامان داده است. این

به هم پیوستگی و اتحاد اجزا و عناصر از یک سو، و آفرینش غایتمند جهان از سوی دیگر، مؤید آن است که انسان‌ها نیز به عنوان مهم‌ترین اجزای آفرینش می‌توانند با الهام از وحدت اندام‌وار جهان هستی و در موافقت با قوانین آن، بسیاری از تعارض‌ها و تشتت‌هایی را که ناشی از اختلاف در غایات است، کنار گذاشته و به صورت یکپارچه و دسته‌جمعی به سوی هدف غایی خلقت خویش، که تقرب به ذات الهی است، حرکت کنند.

ب. از منظر انسان‌شناسی اسلام

«انسان» موضوع تعلیم و تربیت است و تصویری که از انسان در هر نظام تربیتی ارائه می‌شود، نقش کلیدی در تعیین اهداف، اصول و روش‌های تربیتی ایفا می‌کند. در ادامه، برخی از مبانی انسان‌شناختی اسلام، که از «نوع‌دوستی» به عنوان یک هدف تربیتی حمایت می‌کنند ذکر می‌شود:

۱. **برخورداری انسان از روح الهی:** از دیدگاه اسلام، انسان مخلوق خدا و دارای دو بعد جسم و روح است. به فرموده خداوند، روح انسان دارای منشأ الهی است: «از روح خودم در او دمیدم» (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲). همین توصیف مختصر، بیانگر ماهیت خاص و مقام شامخ انسان است که او را شایسته آن می‌سازد که خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین باشد. از این رو، انسان - فارغ از تعینات دیگر - به طور ذاتی، دارای ارزش است. به باور ابن عربی، حق تعالی انسان را به صورت خود آفریده است و هیچ موجودی غیر از انسان، قابلیت ظهور اسما و صفات الهی را ندارد (اعوانی و همکاران، ۱۳۸۹). مهر و محبت‌ورزی به بندگان یکی از بارزترین صفات الهی است و انسان خداگونه نیز بر همین اساس، به بندگان خدا عشق و محبت می‌ورزد و به آنان در هنگام نیاز، یاری می‌رساند. بنابراین، آگاهی از این موضوع، که همه انسان‌ها ذاتاً ارزشمند بوده و به صورت بالقوه دارای صفات الهی و مقدس هستند، موجب می‌شود تا افراد، نه تنها از هرگونه ظلم و تعدی نسبت به هموعان خودداری کنند، بلکه تا حد امکان بکوشند صفات الهی - از جمله محبت‌ورزی به بندگان خدا - را در روح و وجود خویش بالفعل و متجلی سازند.

۲. **ریشه مشترک در خلقت انسان‌ها:** به تصریح قرآن مجید، انسان‌ها دارای ریشه‌ای مشترک در خلقت هستند و از نفس واحدی خلق شده‌اند (اعراف: ۱۸۹). در صورت پذیرش اصل اشتراک در خلقت و خویشاوندی میان آدمیان، افراد به هر انسان نیازمندی با هر رنگ، نژاد و زبانی یاری می‌رسانند و این‌گونه تفاوت‌های ظاهری مانع اقدامات نوع‌دوستانه و احسان به دیگران نمی‌گردد. از این رو، امام

علی‌علیه‌السلام در فرمانی به مالک اشتر، وی را به ابراز محبت و مهربانی نسبت به همگان توصیه می‌کند و میان مسلمانان (به‌عنوان برادران دینی) و افراد غیرمسلمان (به‌عنوان برادران همنوع و آنهایی که در خلقت با او یکسان هستند) تفاوتی قایل نمی‌شود (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین، اسلام - فارغ از مسائل جغرافیایی، نژادی، قومی، زبانی و حتی اعتقادی- انسان بودن را زمینه نوع‌دوستی و محبت‌ورزی می‌داند و به همین سبب نیز معتقد است: «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته باشد، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه انسان‌ها را زنده کرده است» (مائده: ۳۲).

توجه به این نکته نقش مهمی در ایجاد تعاملات سازنده، تفاهم و معاضدت میان انسان‌ها دارد و زمینه را برای ایجاد یک جامعه سالم و آرمانی فراهم می‌سازد که در آن احساس بیگانگی، خودبرتربینی و نژادپرستی جای خود را به احساس قربت، صمیمیت و نوع‌دوستی می‌دهد. در چنین جامعه‌ای، بندگان خدا در سایه آرامش و امنیت روانی- اجتماعی ایجاد شده، بهتر می‌توانند ضمن انجام اعمال عبادی فردی و اجتماعی، به هدف اصلی آفرینش خود توجه کنند و به پروردگار خویش تقرب بجویند.

۳. برخورداری انسان از فطرت: یکی از مفاهیم اساسی در انسان‌شناسی اسلامی، مفهوم «فطرت» است. از این‌رو، استاد مطهری (۱۳۸۸) فطرت را ام‌المعارف مسائل انسانی می‌داند. «فطرت» به معنای سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امور فطری اموری هستند که نوع خلقت و آفرینش انسان، اقتضای آن را داشته و میان همه انسان‌ها مشترک باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). به باور بهشتی و افخمی اردکانی (۱۳۸۶)، بارزترین ویژگی دین اسلام نیز موافقت آن با فطرت انسان است. از این‌رو، طبیعی است که تربیت اسلامی با فطرت انسان مطابقت کامل داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت: «تربیت اسلامی» به معنای «احیای فطرت خداآشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت به سوی بی‌نهایت است» (قائمی، ۱۳۷۸، ص ۲۷).

علاوه بر موضوعاتی همچون خداپرستی و حقیقت‌جویی، صلح‌طلبی، خیرخواهی و احسان به دیگران نیز از جمله گرایش‌های فطری و همگانی در میان انسان‌هاست. از این‌رو، پرورش، شکوفایی و تقویت استعداد گرایش به فضایل اخلاقی، از قبیل نوع‌دوستی و احسان به دیگران، از اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای فطرت محسوب می‌شود (منظری توکلی، ۱۳۸۳). انسان‌ها بر مبنای فطرت و در عمق وجود خویش، خواهان برقراری صلح و دوستی بوده و از جنگ و خون‌ریزی و

عداوت متنفر هستند. اسلام نیز جنگ را تنها در صورتی مجاز می‌شمارد که به صلح و مبانی آن تعرض شده باشد و برای دفع شر و رسیدن به صلح و آرامش، ناگزیر از حذف عوامل مخرب باشیم (فقیهی مقدس، ۱۳۸۹). حق تعالی در تبیین این مطلب، خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «خدا شما را فقط از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کرده و شما را از دیارتان بیرون رانده و بر بیرون راندنتان یکدیگر را یاری نموده‌اند...» (ممتحنه: ۹). در واقع، ترجیح خداوند برقراری صلح و آرامش در میان انسان‌هاست و پیامبرش را به این امر توصیه می‌کند: «اگر به صلح تمایل داشتند تو نیز بدان روی آور و بر خدا توکل کن...» (انفال: ۶۱). بنابراین، از دیدگاه قرآن کریم، اصالت از آن صلح و دوستی است و جنگ تنها زمانی مشروع شمرده می‌شود که در راه خدا و رضایت او باشد. در غیر این صورت، جنگ در رکاب شیطان خواهد بود (نساء: ۷۶). تحقق صلح، آرامش، نوع دوستی و محبت‌ورزی در جامعه، که با نزاع و ستیزه‌جویی منافات دارد - و در واقع، تلاشی است در جهت ایجاد یک جامعه آرمانی و الهی - زمینه بهتری برای خداپرستی و تقرب به حق فراهم می‌کند؛ زیرا در یک جامعه آرمانی، افراد با تأسی از گرایش‌های فطری و الهی خود، بهتر و بیشتر می‌توانند در مسیر قرب الی الله گام بردارند.

۴. **برخورداری انسان از عقل:** عقل فصل ممیز انسان از سایر موجودات است. برخوردار بودن انسان‌ها از قوه تعقل و گوهر عقلانیت از ویژگی‌های همگانی و عمومی آدمیان است که سنگ بنای تفاهم و درک متقابل میان آنان را تشکیل می‌دهد. اهمیت عقل و فهم به اندازه‌ای است که برخی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، از جمله دیویی معتقدند: «فرایند تربیتی تنها زمانی متحقق می‌شود که فهمیدن ترویج یابد» (ازمن و کراور، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴). در نگرش اسلامی نیز تعقل و خردورزی از اهمیت شایانی برخوردار است، تا آنجا که از آن به‌عنوان «حجت درونی» یاد شده است.

همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (۱۳۷۴)، در ذیل آیه «کرامت» (اسراء: ۷۰)، عقلانیت را از علل کرامت ذاتی انسان معرفی می‌کند. بسیاری از آیات قرآن نیز از جمله بقره: ۴۴؛ آل عمران: ۶۵ و عنکبوت: ۳۵ انسان را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند که این امر دال بر جایگاه والا و نقش مهم عقلانیت و خردورزی در تربیت اسلامی و هدایت آدمیان است. انسان با بهره‌گیری از این حجت درونی (عقل) قادر است به آثار و نتایج مثبت نوع دوستی و یاری رساندن به نیازمندان پی ببرد و در واقع، اهمیت و ضرورت آن را تصدیق کند. با توجه به تفکیک‌ناپذیری «عقلانیت» و «دیانت»، دین و آموزه‌های دینی نیز با تأکید بر ارتباط و

همسویی «ایمان» و «عقل» به دنبال تشویق مؤمنان به امر نوع دوستی و محبت ورزی هستند. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ در تبیین رابطه میان خردورزی و نوع دوستی می فرماید: «رأس العقل بعد الدین التودد الی الناس»؛ پس از ایمان به خدا، سرآمد تمام اعمال عاقلانه، دوستی ورزیدن با مردم است (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۱). با عنایت به این گفتار پیامبر ﷺ، «ایمان» و «محبت ورزی به مردم» دو شاخص اساسی عقلانیت به شمار می رود. در واقع، عقلانیت انسان به طور طبیعی او را به ایمان الهی و نوع دوستی امر می کند. همچنین امام علی ﷺ می فرماید: «التودد نصف العقل»؛ دوستی ورزیدن نیمی از خردمندی است (نهج البلاغه، ح ۱۴۲). در اینجا نیز نوع دوستی نیمی از خردمندی معرفی شده است که با توجه به روایت قبل، می توان نتیجه گرفت: نیم دیگر آن ایمان به خداست.

به اجمال، در تبیین ارتباط عقل و عاطفه در نگرش اسلامی، می توان گفت: عواطف متعالی انسان ریشه در شناخت و آگاهی او دارد. عقل (عنصر شناختی) و احساسات و عواطف (عنصر عاطفی) از یکدیگر مجزا نیستند، بلکه یک نفر عاقل علاوه بر انتخاب مناسب ترین وسیله در حوزه عمل، در انتخاب اهداف و بروز عواطف مناسب نیز از گوهر عقلانیت خود بهره می برد (صفایی مقدم و همکاران، ۱۳۸۵). از همین رو، اسلام با تأکید بر ارتباط مستحکم میان خردورزی و نوع دوستی، کسی را خردمند می شناسد که علاوه بر ایمان به خدا، دارای حس نوع دوستی و محبت ورزی به انسان ها باشد، و در واقع، بندگی خالق را جدای از نوع دوستی و خدمت به خلق نپندارد. بنابراین، یک فرد مسلمان خود را ملزم می بیند که پس از ایمان به پروردگار، محبت ورزی به بندگان او را وجهه همت خود قرار دهد و از این طریق خردمندانه، به هدف غایی خلقت خود نزدیک تر شود و تقرب بیشتری به ذات حق پیدا کند.

ج. از منظر شناخت شناسی اسلام

اسلام قایل به امکان شناخت برای انسان است و به همین سبب نیز قرآن در آیات فراوانی انسان را به شناخت و تدبر در آفاق و انفس فراخوانده است. در سنت اسلامی، «شناخت» از چنان اهمیت و منزلت والایی برخوردار است که اندیشمندان از آن به عنوان روشنایی که مفسر و فصل ممیز «حیات معقول» (حیات طیبه) از «حیات نامعقول» آدمی است، یاد می کنند (ر.ک: جعفری، ۱۳۶۰). در نگرش اسلامی، در کنار حواس و عقل، «قلب» نیز به عنوان یکی از عوامل مهم شناخت و ادراک محسوب می شود (اسراء: ۳۸؛ محمد: ۲۴).

بر همین اساس، استاد مطهری (۱۳۳۸) ضمن معرفی سه ابزار «حس»، «عقل» و «قلب» (دل) به عنوان ابزارهای مهم شناخت، راه استفاده از ابزار قلب را «تزکیه نفس» می‌داند. مراد از «تزکیه نفس» آن است که انسان قلب خویش را از آلودگی‌ها، هوای نفس و منیت‌ها پاک کند و در راه رضای الهی گام بردارد تا بتواند تابش نور حقیقت را در وجود پاک خویش دریابد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای تسلیم شدن در برابر حق گشاده کرده است و بر نوری از جانب خدا قرار دارد، (همچون کسی است که سخت‌دل است و نوری برای شناخت ندارد؟) پس وای بر کسانی که دل‌هایشان از اینکه یاد خدا کند سخت شده است! اینان در گم‌راهی آشکارند» (زمر: ۲۲).

بنابراین، پلیدی‌ها و آلودگی‌های نفسانی، مانع شناخت حقیقی و عامل گم‌راهی انسان محسوب می‌شوند. از همین رو، قرآن خودخواهی، تکبر و پی‌روی از هواس نفس را از جمله موانع شناخت و هدایت معرفی می‌کند (جاثیه: ۲۳ و ۳۱؛ اعراف: ۴۰) که طبعاً با از میان رفتن این‌گونه رذایل اخلاقی، بستر لازم و آمادگی قلبی برای کسب و پذیرش معرفت و در نتیجه، رهایی از گم‌راهی ایجاد می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر در مبحث «عقلانیت» نیز بیان شد، این موضوع ناظر به ارتباط تنگاتنگ میان دو حوزه شناختی و عاطفی است و در واقع، می‌توان برای شناخت و معرفت، پایه‌ای عاطفی نیز در نظر گرفت. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «کسی که نفسی بزرگوار دارد عواطفش افزون می‌شود، و آن کس که عواطفش افزون باشد شناخت و دانسته‌هایش افزون می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۲۴۰).

از این رو، با توجه به اهمیت و جایگاه عواطف در امر شناخت، انتظار می‌رود که محبت‌ورزی به دیگران و نوع‌دوستی نیز - به عنوان عواطف عالی انسانی - واجد نقش کلیدی و زمینه‌ساز دانش و معرفت باشد. به همین سبب گفته می‌شود که یکی از رسالت‌های تربیت معنوی، تولید نوعی از دانش است که می‌توان آن را «دانش عشق‌بنیان» نامید. این رویکرد به این موضوع اشاره دارد که دوست داشتنِ دیگران را باید آموخت و سپس آن را به کار گرفت. در واقع، تا وقتی نوعی همدلی با هستی پیدا نشود، راه به درک رمز و رازهای آن باز نمی‌شود (صفایی مقدم، ۱۳۹۰). بنابراین، نوع‌دوستی می‌تواند افقی به گستردگی بی‌نهایت در برابر انسان قرار دهد که بر اساس آن، افراد با در نظر گرفتن ویژگی «کلیت» برای هستی، با عبور از قلمرو کثرت، پای در عالم وحدت و یگانگی می‌گذارند و خود را با جهان هستی و همه مخلوقات - از جمله هموعان - در پیوند و هماهنگی می‌بینند. این احساس پیوند و

یگانگی می‌تواند به برداشته شدن حجاب‌ها و در نتیجه، شناخت و درک بهتر و عمیق‌تر جهان هستی بینجامد، و از سوی دیگر، هر قدر بر میزان این درک و فهم از «کلیت» و یگانگی در انسان افزوده گردد، میزان حس تعلق و نوع‌دوستی نیز در او افزایش می‌یابد.

علاوه بر این، از منظر عرفان اسلامی، عشق به هموعان مقدمه و سرآغاز عشق و معرفت الهی محسوب می‌شود (ر.ک: شمشیری، ۱۳۸۵). به بیان دیگر، نوع‌دوستی زمینه و بستر لازم را برای شناخت خدا و حرکت در مسیر قرب الی الله فراهم می‌سازد. شاید به همین سبب باشد که پیامبر اکرم ﷺ برخلاف مسلک‌ها و افرادی که عزلت‌گزینی و دوری جستن از مردم را از مقدمات و شرایط تقرب به خدا می‌دانند، کسی را که دایم به دنبال خدمت‌گزاری به عموم مسلمانان و رسیدگی به امور آنان نباشد اصولاً از دایره اسلام خارج می‌دانند (اشاره به حدیث نبوی: من أصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم). این امر حاکی از آن است که نوع‌دوستی و خدمت به بندگان خدا پیش شرط و مقدمه شناخت خدا (اسلام آوردن) است. از آن رو که اسلام آوردن نیز پیش شرط و مقدمه تقرب به ذات الهی است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نوع‌دوستی و خدمت به بندگان خدا از ملزومات و شروط اولیه تقرب به پروردگار محسوب می‌شود.

با عنایت به مطالب بیان شده، می‌توان گفت: گزینش نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف واسطه‌ای در جهت نیل به هدف غایی در تربیت اسلامی (تقرب الهی) از حمایت اصول حاکم بر شناخت‌شناسی اسلام برخوردار است.

د. از منظر ارزش‌شناسی اسلام

یکی از ویژگی‌های اصلی انسان «جنبه اجتماعی» اوست. بخش اعظم دستورها و قوانین اسلام نیز جنبه اجتماعی دارد و ناظر به چگونگی روابط و تعاملات انسان‌ها با یکدیگر است. در نگرش اسلامی، جنبه اجتماعی انسان امری حقیقی است و نه اعتباری. در همین زمینه، امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ کس احساس بی‌نیازی از مردم نمی‌کند، مگر آنکه دیگران محتاج او می‌شوند» (عمادزاده، ۱۳۳۸، ص ۴۰۹). از آن رو که تربیت عملی اخلاقی به‌شمار می‌رود، چگونگی روابط میان هموعان و به‌طور کلی، مقوله اخلاق در تربیت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. اصولاً هدف از بعثت پیامبران و بزرگ‌ترین رسالت تربیتی آنان نیز تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی بوده است. به بیان دیگر، مقصود از نزول وحی آن بوده که افراد پس از شناخت ارزش‌های الهی، آنها را به منصه ظهور رسانده، عامل به ارزش‌ها شوند.

ارزش‌های تأیید شده از سوی اسلام، ارزش‌های مبتنی بر فطرت الهی انسان هستند. ارزش‌های مبتنی بر فطرت نیز به سبب تغییرناپذیری فطرت انسان (روم: ۳۰)، ارزش‌هایی لایتغیر و جاودان محسوب می‌شوند.

همان‌گونه که قبلاً در مبحث فطرت بیان شد، نوع دوستی نیز یکی از گرایش‌های اصیل فطرت آدمی به‌شمار می‌رود و بنابراین، پایدار و واجد ارزش است. علاوه بر این، سود رساندن به مردم و احسان به آنان- فی‌نفسه- ارزشمند است؛ زیرا رسول خدا ﷺ محبوب‌ترین افراد را نزد خدای متعال، کسی می‌داند که به مردم سود بیشتری می‌رساند (کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۹). قرآن کریم نیز احسان و نیکوکاری را عامل محبوبیت در پیشگاه خداوند بر شمرده است (مائده: ۹۳). انسان نیکوکار با آگاهی از اینکه محبوب خداوند است و عمل نیک او نسبت به خلق، رضایت خالق را فراهم ساخته است، متقابلاً شیفتگی و محبت زیادی نسبت به خدا و بندگان او پیدا می‌کند و با شوق و شغف، این محبت‌ورزی را به صورت عملی و در صحنه اجتماعی در قالب سنت‌های پسندیده و ارزشمندی همچون وقف، نذر، صدقه، زکات، انفاق، اطعام، احسان و قرض‌الحسنه- که همگی از مصادیق بارز رفتارهای نوع‌دوستانه و مورد تأکید فراوان آموزه‌های اسلامی است- بیش از پیش متجلی می‌سازد. انسان نیکوکار می‌داند که طرف معامله او خداست و بر اساس نگرش اسلامی، کمک و یاری او پیش از آنکه به دست نیازمندان برسد، در دست محب و محبوب حقیقی (خدا) قرار می‌گیرد.

در مجموع، به سبب سازگاری نوع دوستی با فطرت الهی انسان از یک سو، و با توجه به نقش و اهمیت احسان و نیکوکاری در جلب محبت و رضایت الهی از سوی دیگر، و همچنین پیوند نوع دوستی با بسیاری از ارزش‌های اسلامی از قبیل تعاون، گذشت، ایثار و برادری، می‌توان گفت: تحقق نوع دوستی در جامعه، زمینه و بستری فراهم می‌کند که در آن، حرکت در مسیر ارزش‌ها و قرب الی الله بیش از پیش هموار می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، اسلام مسالمت‌جویی و عدالت‌ورزی را پایه‌الگوی ارتباط حداقلی میان انسان‌ها قرار داده است، اما ابرار (نیکوکاران) را به امری فراتر از آن فراخوانده و خواهان یاری‌رسانی، احسان و محبت‌ورزی آنان به بندگان خدا شده است. انسان‌ها به حکم وجود خویشاوندی میان خود و دیگران، دارای گرایش‌های فطری نوع‌دوستانه هستند که انتظار می‌رود

پرورش این گرایش‌ها بتواند نقش مهمی در رشد شخصیت افراد و توسعه وجودی آنان ایفا کند و از این طریق، منجر به بهبودی و اعتلای حیات فردی و جمعی انسان‌ها در ابعاد و وجوه گوناگون گردد. تربیت اسلامی نیز، که بر فطرت و باورهای بنیادین دینی (همچون توحید و هدفمندی خلقت) مبتنی است، به دنبال آن است که علاوه بر رشد جنبه‌های اصیل شخصیت و ایجاد آرامش، همبستگی و صمیمیت در جامعه، راه رسیدن به سعادت و تقرب به ذات حق را هموارتر سازد.

یافته‌های تحقیق حاضر، که از تحلیل و بررسی مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلام به دست آمده است، از نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف واسطه‌ای در تربیت اسلامی در جریان نیل به هدف غایی (قرب الی الله) حمایت می‌کند. بر این اساس، اهم گزاره‌ها و نتایج حاصل از بررسی مبانی اسلامی نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی عبارت است از:

۱. هستی بر پایه لطف و محبت سامان یافته و اصولاً خلقت، حاصل مهرورزی خدای متعال است.
۲. بر اساس اصل «توحید» در اسلام، یک فرد رشد یافته با در نظر گرفتن ویژگی «کلیت» و یکپارچگی برای هستی، میان خود و افراد دیگر، نوعی یگانگی و عدم جدایی احساس می‌کند و در نتیجه، منافع و سرنوشت خود را جدا از منافع و سرنوشت دیگران نمی‌بیند.
۳. انسان به سبب برخورداری از روح الهی، از یک سو، ذاتاً ارزشمند است، و از سوی دیگر، در مسیر قرب الی الله باید اسما و صفات الهی (از جمله محبت‌ورزی) را، که در وجودش به ودیعه نهاده شده، متجلی سازد.
۴. پذیرش اصل «اشتراک در خلقت» موجب می‌شود تا بیگانگی‌ها و جدایی‌ها جای خود را به آشنایی و مهرورزی بدهد و از این رو، تفاوت‌های ظاهری، قومی و نژادی مانع اقدامات نوع‌دوستانه نمی‌گردد.
۵. به سبب برخورداری آدمی از فطرت و عقل، انسان به‌طور ذاتی و تکوینی به نوع‌دوستی گرایش دارد و آن را تحسین می‌کند. دین اسلام نیز با تأیید و تأکید بر فطرت و عقل، از نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف، که می‌تواند در خدمت نیل به هدف غایی در تربیت اسلامی (قرب الی الله) باشد، حمایت می‌کند.
۶. در سنت اسلامی، اصالت از آن صلح و دوستی است. از این رو، جنگ مشروع و مجاز جنگی است که در راه رضای خداوند باشد و نه بستری برای ارضای انگیزه‌های شخصی و کینه‌توزانه.

۷. با توجه به ارتباط حوزه‌های عاطفی و شناختی و تأیید آن از سوی اسلام، نوع دوستی و همدلی با دیگران می‌تواند زمینه معرفت و شناخت بیشتر و عمیق‌تر نسبت به کل هستی و خالق آن را فراهم کند و بالطبع، زمینه‌ساز قرب بیشتر به خداوند باشد.

۸. علاوه بر فطری بودن نوع دوستی، از آن‌رو که در نگرش اسلامی، نیکوکاری و احسان به بندگان خدا از عوامل جلب محبت و رضایت حق تعالی محسوب می‌شود، نوع دوستی امری - فی نفسه - ارزشمند است. بنابراین، یک مسلمان نیز با نیت قرب الی الله و جلب محبت و رضایت خداوند، به یاری نیازمندان شتافته، اقدامات نوع دوستانه را به مثابه ارزش تلقی می‌کند.

در نتیجه و بر اساس مطالب گفته شده، با استفاده از مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلام، می‌توان به جایگاه و اهمیت مقوله نوع دوستی در تربیت اسلامی پی برد و از آن به‌عنوان یک هدف تربیتی حمایت کرد.

تحقق نوع دوستی در جوامع مسلمان، علاوه بر تسهیل و هموارسازی مسیر حرکت به سمت قرب بیشتر الهی، نقش مهمی نیز در ارائه چهره رحمانی اسلام و خنثاسازی طرح اسلام‌هراسی دارد که از سوی دشمنان طراحی شده است.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ابوزید، نصر حامد، ۱۳۸۷، *چنین گفت ابن عربی*، ترجمه محمد راستگو، تهران، نشر نی.
- ازمن، هوارا. و کراور، ساموئل ام.، ۱۳۸۷، *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامرضا متقی فر و همکاران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- اعوانی، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «انسان کامل به روایت ابن‌عربی»، *اندیشه دینی*، پیاپی ۳۴، ص ۱۶۰-۱۳۵.
- امین‌زاده، محمدرضا، ۱۳۷۶، *فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی*، قم، در راه حق.
- باقری، خسرو و همکاران، ۱۳۸۹، *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۳، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران، مدرسه.
- بختیار نصرآبادی، حسن‌علی و رضاعلی نوروزی، ۱۳۸۲، *راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم*، ج ۱، قم، سماء قلم.
- بردستانی، عذرا، ۱۳۸۳، *بررسی تأثیر باورهای مذهبی بر رفتار نوع‌دوستانه و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان سلال آخر دوره متوسطه*، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- بهشتی، سعید و محمدعلی افخمی اردکانی، ۱۳۸۶، «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۴، ص ۳۹-۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۸۴، *غرر الحکم و درر الکلم*، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۰، *شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، «فطرت در آینه قرآن»، *انسان پژوهی دینی*، سال هفتم، ش ۲۳، ص ۵-۲۸.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد و همکاران، ۱۳۹۰، *شناخت اسلام*، تهران، نشر بقیعه، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
- دورکهایم، امیل، ۱۳۶۰، *فلسفه و جامعه‌شناسی*، ترجمه فرحناز خمسه‌ای، تهران، چاپخانه فرهنگ و آموزش عالی.
- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله، ۱۳۷۶، *گلستان سعدی*، چ ششم، تهران، پیام محراب.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۹۱، *جامعه و تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر.
- شریعتی، علی، ۱۳۵۶، *جامعه‌شناسی ادیان*، تهران، حسینیه ارشاد.
- شعبانی، زهرا، ۱۳۹۳، «تبیین مدل نوع‌دوستی خیرین مدرسه‌ساز در ده سال اخیر (۱۳۹۰-۱۳۸۰)»، *تربیت اسلامی*، سال نهم، ش ۱۹، ص ۱۰۱-۷۳.
- شمشیری، بابک، ۱۳۸۵، *تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان*، تهران، طهوری.
- صفایی مقدم، مسعود، ۱۳۹۰، «مطالعه تحلیلی نهضت معنویت‌گرایی و ارائه رویکردی برای آموزش عالی معنویت‌گرا: رویکردی اخلاق بنیان»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۱۰-۸۷.
- _____، ۱۳۸۸، *مبانی تربیت از نگاه امام سجاد علیه السلام*، اهواز، نشر رسش.

صفای مقدم، مسعود و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۲۹-۱.
 طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

عمادزاده، حسین، ۱۳۳۸، *زندگانی امام چهارم حضرت امام زین‌العابدین*، تهران، نشر محمد.
 فقیه، نظام‌الدین، ۱۳۷۶، *سریان عشق در هستی*، شیراز، نوید.

فقیهی مقدس، نفیسه، ۱۳۸۹، «مبانی فلسفی صلح‌گرایی از نظر اسلام»، *حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۱۵۷-۱۷۸.

قائم‌ی، علی، ۱۳۷۸، *زمینه تربیت*، تهران، امیری.

کلینی، محمد بن یعقوب، بی‌تا، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۶، *بحار الانوار*، تهران، مکتبه الاسلامیه.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.

_____، ۱۳۳۸، *مسئله شناخت*، قم، صدرا.

_____، ۱۳۸۸، *انسان و ایمان*، قم، صدرا.

منظری توکلی، علیرضا، ۱۳۸۳، *تدوین فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای فطرت*، رساله منتشر نشده دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت، شیراز، دانشگاه شیراز.

مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۷۲، *مثنوی معنوی*، تهران، زوار.

میلر، جان. پی، ۱۳۸۰، *آموزش و پرورش و روح: به سوی یک برنامه درسی معنوی*، ترجمه نادرقلی قورچیان، تهران، فراشناختی اندیشه.

هاشمی، سیدجلال، ۱۳۸۸، *بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران*، رساله منتشر نشده دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت، اهواز، دانشگاه شهید چمران.

همتی، ابراهیم، ۱۳۸۹، «مراتب ایثار و نوع‌دوستی»، *کیهان*، ش ۱۹۸۲۹، ص ۶.

Hockenbury, D. H. ; Hockenbury, S. E. (2007). *Discovering Psychology*. New York: Worth Publishers.

Keen, S. (2012). "Altruism Makes a Space for Empathy". <http://www.branchcollective.org>

Scott, N., Seglow, J. (2007). *Altruism*. New York: Mc Graw Hill.

Staub E.(1974). "Helping a distressed person:Social,Personality and Stimulus determinants".*Advanced in Experimental Social Psychology*,7,p.293-341.